

دکتر چهارزی استاد کرسی اعصاب

## نوروزها و عقاید پیررانه

اصل کلی براین است که در بیان هر موضوع و مبحثی باید مقدّمات تعریف پرداخت تا منظور و مقصود از گفتار مشخص و معلوم باشد ولی متأسفانه باید اذعان کنم که درباره موضوعی که امروز مطرح میباشد آغاز گفتار از تعریف میسر نخواهد گشت چه نوروزها یا حالات عصبانی . حالات - گوناگون بالینی و کیفیات مختلف روانی را شامل میشود که در حال حاضر نقل مجالس بسیاری از محافل پزشکی و روانشناسی است بدون اینکه واقعیت و ماهیت آن بر کسی روشن شده باشد و تنها وجه اشتراک آن حالات غریب و عجیب و پراکنده که از جهت مبداء علت وجه سبب و مکانیسم مجهول میباشد همانا این است که پرده ابهام از روی آنان برداشته نشده و رموز آنان آشکار نگردیده است و با وجود اقدامات و کوشش های موشکافانه روان پزشکان و روانشناسان و فیزیولوژیستهای قرون اخیر هنوز اسرار آنها در حکم معما بشمار میرود .

در جریان تاریخ پزشکی مسئله نوروزها بتحولاتی دچار شده و مراحل مختلفی را از جهت تعریف و حالات

بالینی پیموده است . باوجود اینکه از قدیم الایام حالات بالینی نوروز مانند عارضه های تشنجی *Accidents Convulsifs* فالج ها . اسپاسم ها . دردها . بی حسی ها . عصبانیت وجود داشته که بعنوان مختلف مانند بیماریهای ابخره ای . *Affections Vaporeuses* دیاتز عصبی *Diathese Nerveuse* کاشکسی عصبی *Cachexie Nerveuse* نوروز اسپاسمی ( *Nervo-spasme* ) تحریک پذیری عصبی *Surexcitabilite nerveuse* هیستری و هیستریسم *Hystericisme* و نوروپاتی و غیره نامیده میشد . . کلمه نوروز در طب قدیم وجود نداشته است و برای اولین دفعه در اواخر قرن هیجدهم کولن ( *Cullen* ) پزشک انگلیسی اهل اکس ( *Ecosse* ) آنرا مصطلح ساخت و آنرا چنین تعریف نمود :

نوروزها عبارتند از بیماریهای غیر طبیعی قوای عاطفه و حرکت که در آنها عارضه تب وجود نداشته و علائم موضعی بیماری مشاهده نمیشود بلکه از اختلال عمومی سلسله مولد حرکت و فکر ناشی

میگردد .

عصبی نوشته است .

از جهت تاریخی در مجموعه پزشکی که پوم ( P. Pomme ) در قرن هفتم میلادی چاپ کرده در مبحث بیماریهای بادی و باخره‌ای ( Affections Vaporeuses ) تعداد زیادی بیماریها را از هیستری و جنون تا بیماریهای کبدی و بواسیر و کوری را یادداشت نموده و آنها را معلول کشش ( Tension ) و ( Raccornissement ) رشته های عصبی پنداشته است بدون اینکه روشن سازد مقصود از کشش و راکورنیسمان چیست . در کتاب مذکور شرح حالهای مبتلایان غالباً با کلمات توصیفی بیماری غریب و عجیب یا بیماری جالب توجه یا بیماری شگفت آور مندرج است و بالتجیه بعد از او هر بیماری شگفت آوری در زمره این حالات یادداشت میشد .

پینل ( Pinel ) در کتابیکه در سال ۱۸۰۷ منتشر نمود تعداد زیادی بیماریها را در مبحث بیماریهای عصبی یادداشت نموده و در فرهنگ علوم پزشکی در سال ۱۸۱۹ حالات کوری ، کوری ، فالج ، استفراغ ، ترش کردن ، درد معده ، ترس از آب ( H. diphobie ) هیستری ، هیپوکوندری ( H. hypochondrie ) تانوس و غیره را در زمره بیماریهای

بدیهی است برای (پینل) کوری که از ضایعه کره چشم عارض شود نوروژ نبود ولی کوری ناشی از ضمور پاپی در تابس که ضایعه آن مشهود نمیگشت جزو بیماریهای غریب و عجیب قلمداد میشد در سال ۱۸۵۱ ساندرا ( Sandras ) در مشروحه پزشکی خویش در مبحث بیماریهای نوروباتی علاوه بر آنچه ذکر شد انقباضات ، بیماریهای دوره‌ای ، اکلامپسی ، سمنابولیسم لتارژی - Lethargie کاتالپسی Cathalepsie ملانکولی - نستاالژی Nostalgie هذیان های عاطفه‌ای و عشقی موقت ، برخی مسمومیتها ، بعضی تبهای مجهول کره و حتی فالج مترقی را جزو این دسته بیماریهای شگفت انگیز درج نموده است که در حقیقت وجه مشترک این دسته بیماریهای پراکنده همانا عدم امکان فهم خصوصیات آنها میشود ولی معذالك (ساندرا) در کتاب خود بحث جدیدی درباره بیماریهای عصبی افتتاح و مدعی شد که بیماری عصبی بیماری است که در آن اعمال دستگاه اعصاب مختل شود بدون اینکه با وسایل امروزی ما بتوان بضایعه موضعی و مولد بیماری مذکور دسترسی یافت .

وسعی کرده‌است که کلیه بیماریهای

- مذکور را بضایعات دستگاه اعصاب در فرهنگ دشامبر Dictionnaire de  
نسبت دهد بدیهی است در آن زمان Dechambre پارالیزی اژیانتان یا پارکینسون  
مطالعات و تحقیقات آسیب شناسی راودر ۱۸۹۴ گراسه Grasset  
لاینک Laennec و تروسو Trousseau در طبع چهارم مشروحه Traite  
رواج کامل یافته بود و عقیده همگان بر آن بود که فقط ضایعاتی که در اتوپسی  
بیماران مشاهده میشود موجب علائم Raymond ضعف روانی Psychasthenie  
بیماری و مرگ بیمار باید دانسته شود. را به نوروزها افزوده و در مقابل بسیاری  
در سال ۱۸۶۳ در جلد چهارم حالات دیاتزی (Diathesie) و عفونی  
مجموعه عناصر پاتولوژی روکن Elements و تتانوس. آئزین دوپواترین. مسمومیتها  
de Pathologie Medicale de Roquin. عارضه های فشاری و تحریکی و ضربه  
اکسن فلد Axenfeld مبحثی جالب های عصبی از نوروزها جدا شده و در  
به نوروزها تخصیص داد و پس از او زمره بیماریهای مشخص نوع خود قرار  
هوشارد Hushard در ۱۸۸۳ رساله مهمی گرفتند و عقیده همگان درباره نوروزها  
درباره نوروزها نوشت که در آن بسیاری بر آن شد که این دسته بیماریها عبارتند  
از حالات قبلی در زمره علائم بیماریهای از بیماری های مختلف عصبی که در آن  
مشخص و مکشوف قرار گرفته است و ضایعاتی مشاهده نشود. ولی این  
فقط ۶ نوع بیماری حالات عصبی. کره. فرضیه هم روشن شدن موضوع نوروز  
اکلامپسی. صرع. کاتالپسی و هیستری کمکی نمود و ابهام نوروزها هم از جهت  
را جزو نوروزها دانسته و آنها را چنین علائم، از جهت اشکال بالینی، از جهت  
تعریف نموده است: علت و از جهت تعریف ادامه میداشت.
- نوروزها حالات مرضی هستند که  
بدون تب عارض شده و با اختلالات  
مشاعر و عواطف و حس و حرکت توام  
میباشد حالات مذکور در اثر ضایعات  
مشهودی عارض نشده و تغییرات  
ساختمانی ثابتی را سبب نمیگردد  
در سال ۱۸۷۸ بروشن Brochin  
فرضیه نوروز یا بیماری روانی - در  
اواخر قرن نوزدهم دانشمندانی که روی  
مجانین به بررسی میپرداختند متوجه  
شدند که بسیاری از اختلالات بیماران  
جنبه عملی داشته و از اختلالات اعمال  
روانی ناشی میگردد مثلاً هالک توک  
Hack Tucke در کتاب معروف خود

فعالیت های روانی را شامل میگردد.

### نوروز یا بیماری تکامل اعمال .

پیرژانه همشاگردی فروید و بانسکی و شاگرد شارکو در بیمارستان سالپتریر زیر نظر استاد خود به بررسی بیماریهای عصبی پرداخت و مطالعه روی نوروزها را وجهه همت خود قرار داد و در سال ۱۹۰۹ کتابی روی نوروزها نوشت که بوسیله اینجاز بدر سال ۱۳۳۴ ترجمه گردیده است .

پیرژانه در مقدمه کتاب خود می- نویسد: متجاوز از بیست سال است که کتابهای بزرگی روی نوروزها نوشته و بیش از ۵۰۰ شرح حال مفصل توام با تحلیل روانی (Analyse Psychologique) و تحلیل فیزیولوژی انتشار داده ام و امیدوارم که مشاهدات و نظریات من پایه و اساسی برای ساختن فرضیه بیماریهای روان انسانی بشمار رود .

پیرژانه درباره پاتوژنی نوروزها چنین اظهار نظر مینماید :

« بقعیده من توجه به آسیب شناسی در توجیه بیماریها مورد مبالغه قرار گرفته و ما باید طبق اصول و مقتضیات فیزیولوژی فکر کنیم نه تشریحی .

فی الحقیقه نوروزها که دربدو امر

درباره بدن و روان در ۱۸۷۲ مسلم داشت که بسیاری از علائم منتسب به نوروزها اعم از حسی . حرکتی مربوط به تحولات روانی میباشد . همچنین روانشناسان تدریجا پرده از برخی اسرار نیرو های روانی برداشته و دخالت روان را در پیدایش حالات عصبانی نشان دادند و در پرتو فرضیه های Magnetismes مغناطیسیون

کم کم اقدامات آمایشی و درمانی بوسیله خواب و تلقین صورت گرفت و اهمیت حالات عقاید و هیجانها در بروز بسیاری از بیماریهای عضوی مشخص گردید و از این فرضیه نوروز یا بیماری خیالی یا بیماریهای هیجانی یا بیماری تلقینی سرچشمه گرفت .

همچنین دوپوا Dubois از اهالی برن Berne در ۱۹۰۴ مشخصات نوروزها را چنین بیان مینماید .

نوروزها عبارتند از بیماریهای عصبی روانی Psycho-Nevrose که در کلیه علائم و آثار آنها دخالت روان و فعالیت های روانی مشاهده میشود .

این تعریف جامع تراز تعریفهای قبلی است و حدود نوروز را مشخص تر می - سازد ولی باز هم مبهم بوده و کلیه

مجموعه‌ای از حالات پراکنده و روش‌های خاص بیمار آن بشمار میرفت امروزه شامل یک سلسله بیماری‌هایی است که از جهت (Adaptation) با مقتضیات زمانی و مکانی پاتوژنی و خصوصیات بالینی نسبتاً مشخص می‌باشد.

او معتقد است که علاوه بر پاتوژنی اعضا باید پاتوژنی اعمال را نیز در نظر گرفت و متوجه بود که اعمال واجد سیر تکاملی بوده و هر عملی دارای یک قسمت ابتدائی و یک قسمت عالی می‌باشد (Hierarchie des fonctions) که قسمت عالی آن طی قرون متمادی تکامل یافته و با مقتضیات زمان و مکان انطباق می‌یابد.

پیروانه در این مورد عمل هضم و راه رفتن را مثال می‌زند که فالج نوروز پاهای خود را میتواند حرکت دهد (عمل ابتدائی) ولی نمیتواند راه برود (عمل جنون از اختلال اعمال ابتدائی و قدیمی و نوروز از اختلال یا وقفه در سیر تکاملی اعمال عارض میشود و در خاتمه چنین نتیجه میگردد.

Les Nevroses sont des maladies portant sur les diverses fonctions de l'organisme, caracterisees par une alteration des parties superieures de ces fonctions, arretees dans leur evolution, dans leur adaptation au moment present, a l'etat present du monde exterieur et de l'individu, et par l'absence de deterioration des parties anciennes de ces memes fonctions qui pourraient encore tres bien s'exercer d'une maniere abstraite independamment des circonstances presentes.

En resume les nevroses sont des troubles des diverses fonctions de l'organisme, caracterisees par l'arret du developpment sans deterioration de la fonction elle-meme.

- علت وقفه یا اختلال اعمال را پیرژانه مربوط به تحولات نیروی روانی (Tension Psychologique) دانسته و معتقد است که برای اعمال پیشرفته نیروی زیاده‌تر و برای انجام اعمال ابتدائی نیروی کمتری لازم است و از این رو فرضیه دینامی روانی (Psycho-dynamie) خود را بنانهاده است.
- از جهت حالات بالینی پیرژانه (Psychanalyse) میتوان وقایع و عوامل مذکور را بر ملاء و آشکار ساخت و بالین روش نه فقط پاتوژنی بیماری کشف میشود بلکه در عین حال بیمار درمان مییابد.
- بنا بر این در حالیکه پیرژانه نوروز را یکتوع وقفه در سیر تکاملی اعمال می‌پندارد فروید نوروز را ناشی از سیر طبیعی تظاهرات روانی شخص میداند. بعد ها فروید در ملاحظات خود متوجه اهمیت حیات جنسی نزد مبتلایان به نوروز گردید و حتی برای هر نوع نوروزی عامل جنسی دورن بخصوص کودکی را مورد توجه قرار داد و تحولات دوران کودکی لی‌بیدورا (Libido سرچشمه تظاهرات نوروزی پنداشت و بالاخره مکانیسم پیدایش نوروزها را تابع سه مرحله از این قرار: مرحله جذب (Phase de Fixation) و مرحله واپس زدگی (Phase de Refoulement)
- اکنون بی‌مناسبت نیست که برای روشن شدن موضوع نوروزها چند کلمه از فروید و فرضیه‌های جدید نوروزها نیز بعرض حضار محترم برساند. هم زمان با بررسیهای پیرژانه فروید در جریان تحقیقات خود در سالتزبروئی مبتلایان به هیستری متوجه شد که تلقین روی این دسته بیماران تأثیری شگرف دارد در حالیکه روی و سواس‌ها (Obsession) و بیم‌ها (Phobies) هیچگونه تأثیری

وبالاخره مرحله برگشت دانست تولوژی نوشته‌اند فرضیه تکاملی (Phase de l'irruption desurface) (Evolution) و تحلیلی (Dissolution)

فرضیه دیگری که در سالهای اخیر جاکسن را با فرضیه نیروی حیاتی جلب توجه دانشمندان را نموده فرضیه (Elan Vital) برگسن (Bergson)

تکاملی و انحلال هک‌لینک جاکسن توام ساخته و تکامل موجود زنده را تابع هورمه (Horme) که ازغریزه (H. Jackson) میباشد.

جاکسن با توجه بعلائم مستی و خواب پیدایش حالات مرضی را تابع انحلال (بر عکس تکامل) دانسته وعلائم منفی را ناشی از آسیب مراکز تکامل یافته و جدید و علائم مثبت بیماری را مربوط به فعالیت سازمان‌های تحت -

الشعاع مراکز عالی و یا مراکز قدیمی و ابتدائی دانسته است و معتقد است که در پرتو ضایعات عارض شده فرد سیر قهقرائی نموده و بیکی از مراحل اولیه سیر تکامل خود برگشت مینماید.

بدیهی است مرحله برگشته بامرحله مشابه اولیه خود (دردوران تکامل) ممکن است بهیچوجه شباهتی نداشته باشد.

فرضیه دیگر فرضیه‌الان ویتال برگسن (Monakow et Mourgue) میباشد که در سال ۱۹۲۸ در کتابی که تحت عنوان Introduction biologique a l'etude de la neurologie et de la psycho-pathologie مقدمه بیولوژی درباره بررسی دانش اعصاب وپسیکوپا-

بدیهی است درنظر او آنچه باقی میماند با مراحل غریزی - عاطفی دوران کودکی Stades Instinctivo-affectifs de l'enfance

پروان فروید تطبیق مینماید و بدین ترتیب بیماری که فاقد مراحل عالی تکاملی است واجد مراحل ابتدائی تمایلات و عواطف

فرضیه دیگری که در سالهای اخیر بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته فرضیه عضوی نیروئی Conception organo-dynamisme de Henri Ey میباشد.

هانری ای با استفاده از فرضیه تکاملی و انحلالی جاکسن نوروزها را تابع انحلال خفیف سازمانهای روانی دانسته که شکل شدید آن موجب پسیکوزو جنون میگردد.

بدیهی است درنظر او آنچه باقی میماند با مراحل غریزی - عاطفی دوران کودکی Stades Instinctivo-affectifs de l'enfance

پروان فروید تطبیق مینماید و بدین ترتیب بیماری که فاقد مراحل عالی تکاملی است واجد مراحل ابتدائی تمایلات و عواطف

| میباشد .                                                                                                                                                          | ماسرمن (Masserman)                  |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------|
| در قبال فرضیه های عضو                                                                                                                                             | را باید متذکر شد . بعقیده آنها روش  |
| Organogenese پیدایش نوروها که                                                                                                                                     | و رفتار Comportement يك             |
| عرضه گردید فرضیه . روانی زیستی                                                                                                                                    | حالت روانی بیولوژی انسانی است که    |
| (Adolph Mayer) (Psycho-Biologie)                                                                                                                                  | تابع روان و بدن میباشد بدون آنکه    |
| ادلفمی پر                                                                                                                                                         | بتوان سهم ایندو را از یکدیگر جدا    |
| و فرضیه بیودینامی (Biodynamie) نمود .                                                                                                                             |                                     |
| Le comportement est une expression psycho-biologique de l'organisme comme un tout, sans qu'on puisse envisager separement des reactions du physique ou du mental. |                                     |
| این فرضیه های مشترک روان و تن                                                                                                                                     | بدیهی است اگر عقل فرضی قویتر        |
| (Les conceptions Holistiques) مارا                                                                                                                                | شود انسان بمقام عالی تری خواهد      |
| به اهمیت گفته های دوفیلسوف بزرگ                                                                                                                                   | رسید و اگر عقل عملی ( مادی ) قویتر  |
| ایرانی واقف میسازد. ابن سینا در قرن                                                                                                                               | شود انسان سیر قهقرائی مینماید بطور  |
| چهارم هجری مطابق قرن دهم میلادی                                                                                                                                   | کلی انسان ترکیبی موزون و هم آهنگ    |
| در کتاب خود روی شخصیت چنین                                                                                                                                        | از این دو نیرو و فعالیت میباشد.     |
| مینویسد :                                                                                                                                                         | همچنین ملاصدرا میگوید روان در عین   |
| روان يك نیروی عملی فعال وتولید                                                                                                                                    | سادگی و وحدت شامل کلیه قوای انسانی  |
| کننده است فعالیت این نیرو در دو جهت                                                                                                                               | است روان ساخته شده است از مجموع     |
| عرض اندام میکند یکی جهت فعالیت                                                                                                                                    | قوا و ادراکات انسانی و تواما با بدن |
| شعوری است که بدان وسیله بدرك                                                                                                                                      | ایجاد شده و واجد سیر تکاملی         |
| فضائل و علوم آشنا میگردیم دیگری                                                                                                                                   | میباشد .                            |
| جهت فعالیت روی تن میباشد معمولا                                                                                                                                   | درخاتمه لازم میدانم عرضه بدارم      |
| انسان واجد فعالیت در دو جهت فوق                                                                                                                                   | که اگر مبدا و پیدایش و پاتوژنی و    |
| الذکر است و از این رو عقل فرضی                                                                                                                                    | مکانیسم نوروها باتوجه به تعدد فرضیه |
| (Raison Subjective) وعقل عملی                                                                                                                                     | ها هنوز برما روشن نشده است و کیفیت  |
| (Raison Fentionnelle) بوجود                                                                                                                                       | آنها مورد اختلاف نظر دانشمندان می   |
| میاید .                                                                                                                                                           | باشد از جهت انواع حالات بالینی و    |

تشخیص و درمان دانش اعصاب به روشن ساختن مباحث اخیر بمهده سخن-  
 پیشرفتهای بزرگی نائل آمده و در این رانان دیگر این جلسه واگذار شده و  
 موارد وحدت نظر و توافق برای متخصصین مسلما آنطور که باید و شاید حق مطلب  
 محرز و مسلم میباشد و ماهمه روزه را اداء خواهند نمود.  
 شاهد موفقیت‌هایی در این زمینه میباشم.

## BIBLIOGRAPHIE.

- Pierre Janet ..... Les Nevroses 1909  
 Flammarion Paris.
- Rouart. J ..... Enchiclopedie. Psychiatrie  
 T. II. PP 37300 Alo. A2o.
- P. Janet ..... Les Obsessions et la Psychasthenie. Alcan edit 1908.
- Freud ..... Phobie et Obsessions.  
 Revue Neurologique 1895. T. III
- Monakow et Mourgue. Introduction biologique a l'etude de la  
 Neurologie et de la Psycho-pathologie 1928  
 Alcan Paris.
- Rourart. J ..... Le Problem de la Psychogenese des Nevroses et  
 des Psychoses 1950.  
 Desclee de Brower edit Paris.
- P. Pichat ..... Les Nevroses.  
 R. Horizon Medicaux. No 76-196o PP 2o- 30  
 81 1961 PP 18-34 Paris.
- E. Tchehrazi ..... La Neurologie et la Psychiatrie  
 Acts Medica Iranica.  
 Vol.IV no I PP 5-11  
 Janvier 1961.